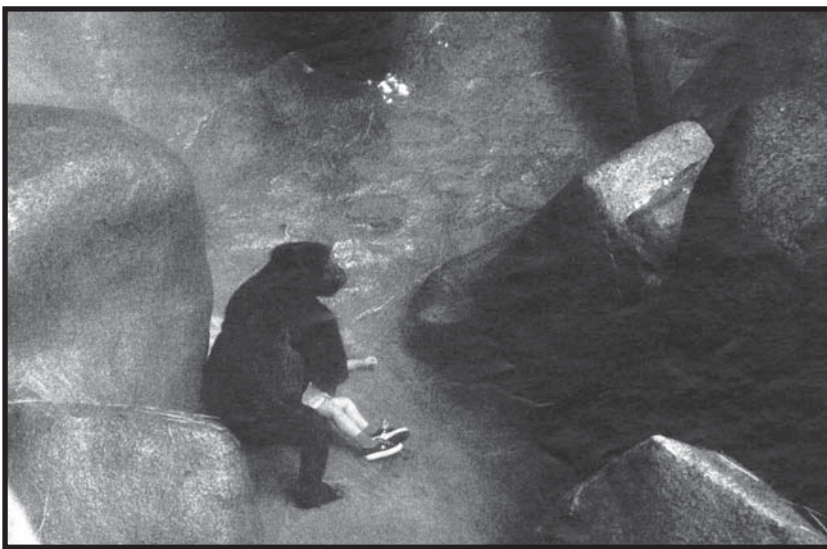


فقط تصورشان از گله را عوض می کردند در حالی که گربه‌ها باید تکروی ذاتی و مخصوص درندگان را در وجودشان بشکنند و آن را به رفتار اجتماعی انسانی تبدیل کنند.

پایه و اساس تحقیق ترنر رفتار گربه‌ها و انسانهاست. کشف بزرگ او این است که گربه‌ها قادرند تنها با استفاده از حضورشان حالت‌های افسردگی و عصبانیت انسان‌ها را از بین ببرند. آن‌ها مثل سگ‌ها هستند، اگر چه کمی خودخواه‌ترند و شرکای اجتماعی بسیار خوبی برای انسان‌ها محسوب می شوند؛ وقتی انسان این آمادگی را دارد که آرزوهای گربه‌ها را برآورده کند، آن وقت است که گربه‌ها حاضرند خواسته‌های انسان را برآورند، فقط انسان باید صبر داشته باشد و اجازه دهد که گربه نشان بدهد چه زمانی وقت این عکس‌العمل رسیده است.

این متخصص گربه‌ها طی تحقیقات بسیار افرادی را - از بین بزرگسالان زن و مرد، دختر و پسر بین ۶ تا ۱۰ سال - با گروهی از گربه‌ها روبرو کرد: مردها وقتی با گربه‌ها سرگرم می شدند از جای خود تکان نخورده و به نشستن ادامه



یک گوریل ماده کودک انسانی را نجات می دهد، کودکی که در محوطه آنها در بروکفیلد به زمین افتاده بود.

می دادند، اما زن‌ها و دختران زانو می زدند تا با گربه‌ها چشم‌درچشم شوند، چیزی که باعث عکس‌العمل مثبت گربه‌ها می شد. بزرگسالان معمولاً کمتر با گربه‌ها سرگرم می شوند اما این مشغولیت آن‌ها عمق بیشتری دارد. گربه‌ها اکثراً با پسران کوچکتر مشکل داشتند زیرا آن‌ها تمایل دارند که سر یعاً به گربه‌ها نزدیک شوند، کاری که گربه‌ها چندان از آن خوششان نمی آید.

گربه‌های خانگی حافظه بسیار قوی دارند. بر اساس یک تحقیق نروژی آن‌ها از فاصله ۵ کیلومتری راحت به منزلشان برمی گردند و در مدت کوتاهی تمام گوشه و کنار قلمرو خود را شناسایی می کنند.

آن‌ها دقیقاً می دانند که چه ساعتی زمان غذا خوردن است و اگر زمانی صاحبشان برای مدت زمانی هر چند طولانی - حتی به درازای چند ماه - از آن‌ها دور باشد و سپس باز گردد، گربه صاحبش را دوباره می شناسد، قانوناً اما اول پشتش را به او می کند. ترنر در این مورد می گوید: این کار را به عنوان اعتراض انجام می دهد زیرا صاحبش او را مدتی تنها گذاشته است.

این بیولوژیست خودخواهی گربه‌ها را قابل مقایسه با انسان‌ها می داند: گربه‌ها

دانشگاه کریستین آلبرت می گوید: ما انسانها می توانیم در سطوح بالا با سگها ارتباط برقرار کنیم. شرط آن این است که رفتار انسان با سگها همانطور باشد که رفتار سگها با انسان. از آنجایی که انسانها یکی از بزرگترین شرکای زندگی اجتماعی سگها هستند، در طول سالیان سال انواع مختلف واقی زدن سگها را شناخته‌اند.

این پروفیسور می گوید: تن صدای سگها ملودی‌ها و ترکیبات صدای مختلفی دارد. استعداد تولید اصوات آنها بسیار زیاد است مثلاً وقتی گرگها فقط زوزه می کشند آنها هم زوزه می کشند و بعضی اوقات تهاجمی شده و پارس می کنند و از آنجایی که انسانها برای سگها شریک مهمی محسوب می شوند حتی به حمایت و پشتیبانی از آنها نیز می پردازند: «اگر حال ما خوب نباشد سگها سعی می کنند از نظر جسمانی به ما نزدیک شده و باینی شان به نوازش ما می پردازند، دستمان را می لیسند و ما را تنها نمی گذارند.»

درستی این امر که سگ‌ها می توانند با انسان‌ها همدردی داشته باشند

هر روز بیشتر ثابت می شود. برای مثال در سال ۱۹۹۶ دو سگ ولگرد، یکی پاکوتاه سوئیس و دیگری نژاد استرالیایی، زندگی یک جوان معلول ذهنی آمریکایی را در ایالت مونتانا نجات دادند. این پسر بچه ۱۰ ساله که دچار بیماری سندرم داون بود ۳ روز و ۳ شب در سرمای یخبندان در جنگل گم شده بود تا این که گروه نجات او را در بستر رودخانه پیدا کردند. سگ‌ها در طول روزها با او بازی کرده بودند تا او را به حرکت وادارند و شب‌ها خود را به او چسبانده بودند تا وی را گرم نگه دارند. این سگ‌ها ظاهراً پسر بچه را به سمت بستر رودخانه هدایت کرده بودند تا بتواند آب بنوشد. وقتی پسر بچه را به آمبولانس منتقل می کردند سگ سوئیس دائماً به سمت پنجره ماشین بلند می شد انگار که می خواست مطمئن شود حال وی خوب است. یکی از اعضای گروه نجات می گوید: من هرگز نخواهم توانست صورت این سگ را فراموش کنم.

محققان دانشگاه انگلیسی پستام در تحقیق خود

با عنوان «اسب‌های مغرور و سگ‌های حسود» حدود ۱۰۰۰ نفر از صاحبان سگ‌ها را مورد بررسی قرار دادند. حدود ۸۰ درصد آن‌ها تطابق این گفته‌ها با واقعیت را تأیید کردند. آن‌ها می گفتند که وقتی سگ‌هایشان از جفت خود دور و یا جدایی شدند تبدیل به حیواناتی تهاجمی و حسود می گشتند. پاول موریس، رئیس این تحقیق می گوید: این اطلاعات آشکارا ثابت می کند که در حیوانات احساسات می تواند پیچیده‌تر از تصورات کنونی ما باشد.

پترسن، متخصص سگ‌ها از Kiel حتی در مشاهداتش از چیزی مثل «رفتار اخلاقی» سخن می گوید: وقتی سگ‌ها می خواهند با دیگران بازی کنند، پشتشان را بلند می کنند تا پنجه‌های جلوییشان راحت‌تر از هم باز شود، دم خود را تکان می دهند و با دهان باز و صورتی شاد بازی می کنند. با این حالت که در طول بازی بارها تکرار می شود می خواهند بگویند که: دارم شوخی می کنم. جدی نگیر! کسی که قوانین را رعایت نکند و واقعا گاز یا پاچه بگیرد، از گروه همبازیان اخراج می شود. اگر سگ دیگری دعوت به بازی را رد کند، او هم بی ادبانه از محل دور خواهد شد.

بیولوژیست آمریکایی سوئیس و محقق انستیتوی کانتون زوریخ، دنیس ترنر، می گوید: توانایی تطبیق گربه‌ها از سگ‌ها هم بیشتر است، سگ‌ها باید